

پولس در قرتیس

¹ و بعد از آن پولس از آتن روانه شده، به قرتیس آمد.² و مرد یهودی آکیلا نام را که مولدش پطس بود و از ایتالیا تازه رسیده بود و زنش پرسکیله را یافت زیرا کلودیوس فرمان داده بود که همه یهودیان از روم بروند. پس نزد ایشان آمد.³ و چونکه با ایشان همپیشه بود، نزد ایشان مانده، به کار مشغول شد؛ و کسب ایشان خیمه دوزی بود.⁴ و هر سبت در کنیسه مکالمه کرده، یهودیان و یونانیان را مجاب می ساخت.⁵ اما چون سیلاس و تیموتاوس از مکادونیه آمدند، پولس در روح مجبور شده، برای یهودیان شهادت می داد که عیسی، مسیح است.⁶ ولی چون ایشان مخالفت نموده، کفر می گفتند، دامن خود را بر ایشان افشانده، گفت: خون شما بر سر شما است. من بری هستم. بعد از این به نزد امت ها می روم.⁷ پس از آنجا نقل کرده، به خانه شخصی یوشس نام خداپرست آمد که خانه او متصل به کنیسه بود.⁸ اما گرسپس، رئیس کنیسه با تمامی اهل بیتش به خداوند ایمان آوردند و بسیاری از اهل قرتیس چون شنیدند، ایمان آورده، تعمید یافتند.

⁹ شبی خداوند در رؤیا به پولس گفت: ترسان مباش، بلکه سخن بگو و خاموش مباش¹⁰ زیرا که من با تو هستم و هیچ کس تو را اذیت نخواهد رسانید زیرا که مرا در این شهر خلق بسیار است.¹¹ پس مدت یک سال و شش ماه توقف نموده، ایشان را به کلام خدا تعلیم می داد.

¹² اما چون غالیون والی آخائیه بود، یهودیان یکدل شده، بر سر پولس تاخته، او را پیش مسند حاکم بردند¹³ و گفتند: این شخص مردم را اغوا می کند که خدا را برخلاف شریعت عبادت کنند.¹⁴ چون پولس خواست حرف زند، غالیون گفت: ای یهودیان، اگر ظلمی یا فسقی فاحش می بود، هر آینه شرط عقل می بود که متحمل شما بشوم.¹⁵ ولی چون مسأله ای است درباره سخنان و نامها و شریعت شما، پس خود بفهمید، من در چنین امور نمی خواهم داوری کنم.¹⁶ پس ایشان را از پیش مسند براند.¹⁷ و همه سوستانیس رئیس کنسیه را گرفته او را در مقابل مسند والی بردند و غالیون را از این امور هیچ پروا نبود.

بازگشت پولس به آنطاکیه

الرسول بولس في كورنثوس

¹ وَبَعْدَ هَذَا مَضَى بُولُسُ مِنْ أَثِينَا وَجَاءَ إِلَى كُورِنْثُوسَ،² فَوَجَدَ يَهُودِيًّا أَكِيْلَا، بُطْلَيْ الْجَسَدِ، كَانَ قَدْ جَاءَ حَدِيثًا مِنْ إِيْطَالِيَا وَبَرِسْكِيْلَا امْرَأَتُهُ، لِأَنَّ كْلُودِيُوسَ كَانَ قَدْ أَمَرَ أَنْ يَمْضِيَ جَمِيعُ الْيَهُودِ مِنْ رُومِيَّةٍ، فَجَاءَ إِلَيْهِمَا،³ وَلَكُونِهِ مِنْ صِنَاعَتِهِمَا أَقَامَ عِنْدَهُمَا وَكَانَ يَعْمَلُ لَأَنَّهُمَا كَانَا فِي صِنَاعَتِهِمَا خِيَامِيَيْنَ.⁴ وَكَانَ يَخَاجُ فِي الْمَجْمَعِ كُلَّ سَبْتٍ وَيُقْنِعُ يَهُودًا وَيُونَانِيَيْنَ. وَلَمَّا انْتَحَدَرَ سِيْلَا وَتِيْمُوثَاوُسُ مِنْ مَكِدُونِيَّةٍ كَانَ بُولُسُ مُنْخَصِرًا بِالرُّوحِ وَهُوَ يَشْهَدُ لِلْيَهُودِ بِالْمَسِيحِ يَسُوعَ. وَإِذْ كَانُوا يُقَاوِمُونَ وَيُحَدِّقُونَ تَقْصَ نِيَّاتِهِ وَقَالَ لَهُمْ: دُمْكُمْ عَلَى رُؤُوسِكُمْ، أَنَا بَرِيءٌ، مِنَ الْآنَ أَذْهَبُ إِلَى الْأَمَمِ. قَانْتَقَلَ مِنْ هُنَاكَ وَجَاءَ إِلَى بَيْتِ رَجُلٍ اسْمُهُ يُوْسْتُسُ، كَانَ مُتَعَبِّدًا لِلَّهِ وَكَانَ بَيْتُهُ مُلَاصِفًا لِلْمَجْمَعِ.⁸ وَكِرِسْطُسُ، رَئِيسُ الْمَجْمَعِ، آمَنَ بِالرَّبِّ مَعَ جَمِيعِ بَيْتِهِ، وَكَثِيرُونَ مِنَ الْكُورِنْثِيَيْنِ إِذْ سَمِعُوا آمَنُوا وَاعْتَمَدُوا.

⁹ فَقَالَ الرَّبُّ لِبُولُسَ بِرُؤْيَا فِي اللَّيْلِ: لَا تَخَفْ بَلْ تَكَلِّمْ وَلَا تَسْكُتْ،¹⁰ لِأَنِّي أَنَا مَعَكَ وَلَا يَقَعُ بِكَ أَحَدٌ لِيُؤْذِيكَ، لِأَنَّ لِي سَعْيًا كَثِيرًا فِي هَذِهِ الْمَدِينَةِ.¹¹ فَأَقَامَ سَنَةً وَسِتَّةَ أَشْهُرٍ يُعَلِّمُ بَيْتَهُمْ يَكَلِمَةَ اللَّهِ.

الرسول بولس في آخائية

¹² وَلَمَّا كَانَ غَالِيُونُ يَتَوَلَّى آخَائِيَّةَ قَامَ الْيَهُودُ يَنْفَسِي وَاجِدَةً عَلَى بُولُسَ وَأَتَوْا بِهِ إِلَى كُرْسِيِّ الْوِلَايَةِ قَائِلِينَ: إِنَّ هَذَا يَسْتَمِيلُ النَّاسَ أَنْ يَعْبُدُوا اللَّهَ بِخِلَافِ النَّامُوسِ.¹⁴ وَإِذْ كَانَ بُولُسُ مُزْمِعًا أَنْ يَفْتَحَ قَاهُ قَالَ غَالِيُونُ لِلْيَهُودِ: لَوْ كَانَ ظُلْمًا أَوْ خُبْنًا رَدِيًّا، أَيُّهَا الْيَهُودُ، لَكُنْتُ بِالْحَقِّ قَدْ اخْتَمَلْتُكُمْ،¹⁵ وَلَكِنْ إِذَا كَانَ مَسْأَلَةً عَنْ كَلِمَةٍ وَأَسْمَاءٍ وَنَامُوسِكُمْ فَتُبْصِرُونَ أَنتُمْ، لِأَنِّي لَسْتُ أَشَاءُ أَنْ أَكُونَ قَاضِيًا لِهَذِهِ الْأُمُورِ.¹⁶ فَطَرَدَهُمْ مِنَ الْكُرْسِيِّ. فَأَخَذَ جَمِيعَ الْيُونَانِيِّينَ سُوسْتَانِيَسَ، رَئِيسَ الْمَجْمَعِ، وَصَرَّوهُ قُدَّامَ الْكُرْسِيِّ وَلَمْ يَهُمْ غَالِيُونُ شَيْءٌ مِنْ ذَلِكَ.

الرسول بولس يرجع الى أنطاكية

¹⁸ وَأَمَّا بُولُسُ فَلَبِثَ أَيْضًا أَيَّامًا كَثِيرَةً ثُمَّ وَدَّعَ الْإِخْوَةَ وَسَافَرَ فِي الْبَحْرِ إِلَى سُورِيَّةٍ وَمَعَهُ بَرِسْكِيْلَا وَأَكِيْلَا بَعْدَمَا خَلَقَ رَأْسُهُ فِي كَنْخَرِيَا، لِأَنَّهُ كَانَ عَلَيْهِ نَذْرٌ. فَأَقْبَلَ إِلَى أَفَسُسَ وَتَرَكَهُمَا هُنَاكَ، وَأَمَّا هُوَ فَقَدَّخَلَ

الْمَجْمَعِ وَحَاجَّ الْيَهُودَ.²⁰ وَإِذْ كَانُوا يَطْلُبُونَ أَنْ يَمَكَّتْ عِنْدَهُمْ زَمَانًا أَطْوَلَ لَمْ يُجِبْ.²¹ بَلْ وَدَّعَهُمْ قَائِلًا: يَتَّبِعِي عَلَيَّ كُلَّ خَالٍ أَنْ أَعْمَلَ الْعِبَادَةَ فِي أُورُشَلِيمَ، وَلَكِنْ سَارِجِعُ إِلَيْكُمْ أَيْضًا، إِنْ شَاءَ اللَّهُ. فَأَقْلَعَ مِنْ أَقْسُسَ.²² وَلَمَّا تَرَلَّ فِي قَيْصَرِيَّةَ صَعِدَ وَسَلَّمْ عَلَى الْكَنِيسَةِ ثُمَّ انْحَدَرَ إِلَى أَنْطَاكِيَّةَ.

الرحلة التبشيرية الثالثة

²³ وَبَعْدَمَا صَرَفَ زَمَانًا حَرَجَ وَاجْتَارَ بِالسَّائِعِ فِي كُورَةِ غَلَاطِيَّةَ وَفَرِيجِيَّةَ يُسَدِّدُ جَمِيعَ التَّلَامِيذِ.²⁴ ثُمَّ أَقْبَلَ إِلَى أَقْسُسَ يَهُودِيَّ اسْمُهُ أَبْلُوسُ، إِسْكَنْدَرِيُّ الْجَنَسِ، رَجُلٌ قَصِيحٌ مُقْتَدِرٌ فِي الْكُتُبِ.²⁵ كَانَ هَذَا خَيْرًا فِي طَرِيقِ الرَّبِّ وَكَانَ وَهُوَ حَارٌّ بِالرُّوحِ يَتَكَلَّمُ وَيُعَلِّمُ يَنْدَقِيقُ مَا يَخْتَصُّ بِالرَّبِّ غَارِفًا مَعْمُودِيَّةَ يُوحَنَّا فَقَطْ.²⁶ وَابْتَدَأَ هَذَا يُبَاهِرُ فِي الْمَجْمَعِ، فَلَمَّا سَمِعَهُ أَكِيلا وَبَرِسْكِلَا أَخَذَاهُ إِلَيْهِمَا وَشَرَحَا لَهُ طَرِيقَ الرَّبِّ بِأَكْثَرِ تَدْقِيقٍ.²⁷ وَإِذْ كَانَ يُرِيدُ أَنْ يَجْتَازَ إِلَى أَخَائِيَّةَ كَتَبَ الْإِخْوَةُ إِلَى التَّلَامِيذِ يَحْضُوتُهُمْ أَنْ يَقْبَلُوهُ. فَلَمَّا جَاءَ سَاعَدَ كَثِيرًا بِالنَّعْمَةِ الَّذِينَ كَانُوا قَدْ آمَنُوا،²⁸ لِأَنَّهُ كَانَ يَأْتِيهِمْ يُفْجِمُ الْيَهُودَ جَهْرًا مُبَيِّنًا بِالْكِتَابِ أَنَّ يَسُوعَ هُوَ الْمَسِيحُ.

¹⁸ اما پولس بعد از آن، روزهای بسیار در آنجا توقف نمود پس برادران را وداع نموده، به سوریه از راه دریا رفت و پرسکله و اکيلا همراه او رفتند. و درکنتریه موی خود را چید چونکه نذر کرده بود.¹⁹ و چون به آقسس رسید، آن دو نفر را در آنجا رها کرده، خود به کنیسه درآمد، با یهودیان مباحثه نمود.²⁰ و چون ایشان خواهش نمودند که مدتی با ایشان بماند، قبول نکرد²¹ بلکه ایشان را وداع کرده، گفت که: مرا به هر صورت باید عید آینده را در اورشلیم صرف کنم. لیکن اگر خدا بخواهد، باز به نزد شما خواهم برگشت. پس از آقسس روانه شد²² و به قیصریه فرود آمده [به اورشلیم] رفت و کلیسا را تحیت نموده، به انطاکیه آمد.

سومین مأموریت پولس و ابولس در آقسس آمد

²³ و مدتی در آنجا مانده، باز به سفر توجه نمود و در ملک غلاطیه و فریجیه جابجا می‌گشت و همه شاگردان را استوار می‌نمود.

²⁴ اما شخصی یهود ابولس نام از اهل اسکندریه که مردی فصیح و در کتاب توانا بود، به آقسس رسید.²⁵ او در طریق خداوند تربیت یافته و در روح سرگرم بوده، درباره خداوند به دقت تکلم و تعلیم می‌نمود هر چند جز از تعمید یحیی اطلاعی نداشت.²⁶ همان شخص در کنیسه به دلیری سخن آغاز کرد. اما چون پرسکله و اکيلا او را شنیدند، نزد خود آوردند و به دقت تمام طریق خدا را بدو آموختند.²⁷ پس چون او عزیمت سفر اخائیه کرد، برادران او را ترغیب نموده، به شاگردان سفارشناهای نوشتند که او را بپذیرند. و چون بدانجا رسید، آنانی را که به وسیله فیض ایمان آورده بودند، اعانت بسیار نمود،²⁸ زیرا به قوت تمام بر یهود اقامه حجت می‌کرد و از کتب ثابت می‌نمود که عیسی، مسیح است.